



10.48315/QGL.2026.581048.1369

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال ششم، شماره چهارم (پیاپی ۲۲)، زمستان ۱۴۰۴، صص. ۱۲۶-۱۰۵

تحولات سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال تعدد جرم در ادوار گوناگون قانون‌گذاری و مبانی آن

آذر علی نژاد*

رضا آقاعباسی**

غالب قدیری***

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

تعدد جرم به عنوان یک عامل موثر بر تعیین مجازات از نهادهایی است که مقررات آن در تمامی ادوار قانون‌گذاری در ایران همواره دستخوش تغییر شده است. این تغییرات در حوزه تعریف (ملاک تمایز میان تعدد و تکرار جرم)، عوامل تعیین‌کننده در تشدید (تعداد جرایم ارتكابی و مختلف و غیرمختلف بودن جرایم)، نوع و میزان تشدید (جمع مجازات، تعیین مجازات اشد و...) و اختیارات قاضی در اعمال قواعد تشدید، قابل بررسی هستند. در این مقاله با هدف شناسایی مبانی این تحولات، با روش توصیفی - تحلیلی، محتوای قوانین تصویب شده در این حوزه در ادوار مختلف قانون‌گذاری بررسی شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که مقررات حوزه تعدد جرم قبل از انقلاب اسلامی همچون سایر مقررات قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ تحت تاثیر حقوق فرانسه تدوین شده است. تغییرات صورت گرفته بعد از انقلاب اسلامی و تحولات سیاسی ناشی از انقلاب، در دو دوره قانون‌گذاری سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ تحت تاثیر یک دیدگاه کاملاً ایدئولوژیک صورت گرفته است و بر این اساس همان‌گونه که انتظار می‌رود شاهد تغییرات بسیار بنیادین و مبانی در حوزه مقررات حاکم بر تعدد جرم هستیم. با این حال پس از انقلاب مجدداً شاهد تغییرات اساسی در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۹ در این حوزه هستیم که به‌نحو قابل توجهی اساسی هستند و در ظاهر نوعی بازگشت به مقررات قبل از انقلاب اسلامی به نظر می‌رسد اما می‌توان آن را ناشی از یک نگاه متفاوت و فایده‌محور در تعیین مقررات حاکم بر حوزه تعیین مجازات دانست.

واژگان کلیدی

تعدد جرم، تعیین مجازات، قانون مجازات عمومی، قانون مجازات اسلامی.

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران
a.alinezhad@vru.ac.ir (نویسنده مسئول).

** استادیار فقه و حقوق خصوصی، گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران.
Reza.agmaabbasi@vru.ac.ir

*** استادیار فقه و مبانی حقوق، گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران.
Gh.ghadiri@vru.ac.ir

مقدمه

تعیین نوع و میزان مجازات به عنوان واکنش انتخاب شده از سوی قاضی در مقابل رفتار ارتكابی از سوی فرد، تصمیم نهایی قاضی در خصوص میزان سرزنش پذیری و قابلیت اصلاح وی است. اصولاً در این تصمیم گیری قاضی اختیارات کامل نداشته و باید تصمیم خود را بر پایه مقرراتی که توسط قانون گذار احصا شده است، مستند به قانون بیان کند. حقوقدانان همواره ارتكاب چند رفتار مجرمانه از سوی فرد و وجود سابقه ارتكاب جرم را به عنوان عاملی تعیین کننده در نوع و میزان مجازات مطرح نموده اند. این امر در ادوار گوناگون قانون گذاری در ایران همواره مورد توجه بوده است.

نگاه اجمالی به قوانین تصویب شده در حوزه شیوه تعیین و اجرای مجازات در حالت تعدد و تکرار جرم از سال ۱۳۰۴ تا کنون نشان می دهد که چگونگی اعمال و اجرای این تشدید از جوانب گوناگون در هر دوره از قانون گذاری دستخوش تحولاتی شده است. در هر دوره از قانون گذاری، قانون گذار در خصوص قواعد در این حوزه تجدیدنظرهایی داشته است. از سویی مقررات حوزه قبل و بعد از انقلاب با مبانی و دیدگاه های متفاوتی تدوین یافته است و از دیگر سو مقررات حاکم بر این حوزه بعد از انقلاب نیز با تغییراتی مواجه بوده که از نگاه مبنایی بنیادین محسوب می گردند. در مقطع قانون گذاری بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۰ می توان به یقین گفت که تغییرات صورت گرفته به نسبت قوانین قبل از انقلاب ناشی از تحولات ایدئولوژیک بوده است اما قوانین مصوب در سال ۱۳۹۲ و پس از آن علی رغم فقدان هر گونه تغییر در مبانی و اصول ایدئولوژیک مدون شده اند و در ظاهر نوعی چرخش به سمت بهره گیری از قوانین قبل از انقلاب در آن دیده می شود اما در پس این ظاهر اهداف و مبانی دیگری وجود دارد که نیازمند توجه است.

مسئله اصلی در این مقاله بررسی تحولات تقنینی در حوزه تعدد جرم است تا ضمن تمرکز بر اصلی ترین مسائل تحویل یافته، مبنای ایدئولوژیک این تحولات پررنگ گردد. این بررسی از آن جهت ضرورت دارد که می تواند به خوبی بیانگر اثرات یک تحول ایدئولوژیک در سیاست تقنینی جنایی و اثرات عملی آن و احیاناً چرخش های ایدئولوژیک در طول سالیان به دلایل گوناگون باشد. در راستای مسئله محوری این مقاله با روش توصیفی و با تحلیل محتوای قوانین و با تمرکز بر مقررات ناظر بر تعدد واقعی جرم و در حالتی که فرد مرتکب چند رفتار مجرمانه از نوع تعزیری شده، به بررسی سیاست تقنینی ایران پرداخته شده است و موارد تعدد اعتباری و موضوعات مربوط به تعدد نتیجه یا جرایم متحدالمقصد و همچنین قواعد تعدد در حدود و دیات و قصاص را مورد بررسی قرار نخواهیم داد.

جهت بررسی و تحلیل قواعد حوزه تعدد جرم در ادوار مختلف قانون گذاری در ایران، تاکید و تمرکز این مقاله بر چند موضوع خاص قرار داده شده است. اولین بحثی که در تحلیلی هر قانون به آن خواهیم پرداخت، بررسی ملاک تمایز میان حالت تعدد جرم و تکرار جرم است. بدین معنا که در هر دوره، قانون گذار ارتکاب جرائم بعدی در چه مرحله ای از تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم جرم قبلی را تعدد و پس از چه مرحله ای را تکرار محسوب می نماید. موضوع نیازمند توجه بعدی عوامل موثر بر اعمال قوانین تشدید مجازات در تعدد جرم است که در این خصوص دو عامل تعداد جرایم و مختلف یا غیرمختلف بودن نوع جرایم مد نظر قانون گذاران بوده است. در نهایت بحث از قلمرو اختیارات قاضی از حیث الزام و یا اختیار در تشدید و میزان تشدید از حیث تعیین حداکثر یا بالاتر رفتن از حداکثر موضوع بررسی خواهد بود. پس از بررسی اجمالی قوانین تصویب شده در قسمت پایانی مقاله به طرح مباحث مبتنی در خصوص چرایی این تحولات خواهیم پرداخت.

۱. بررسی تحلیلی قوانین قبل از انقلاب اسلامی

به لحاظ تاریخی، در حقوق کیفری ایران، شناسایی تعدد جرم به عنوان یکی از عوامل تشدید کننده مجازات را شاید بتوان برای اولین بار در ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ جست و جو نمود که به تعریف «تعدد معنوی جرم» پرداخته شده؛ تعریف مذکور تا امروز تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. پس از آن و در یک گذر زمانی، به موجب ماده ۲ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۱۳ تعدد مادی جرم نیز مورد شناسایی قرار گرفت. سپس قانون گذار طبق ماده ۳۱ راجع به تعدد معنوی جرم (و بندهای الف و ب ماده ۳۲) راجع به تعدد مادی جرم (قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲) با ارائه معیار کمی و تعداد جرائم ارتكابی که تا آن زمان فاقد سابقه تقنینی در نظام جزایی ایران بود، ملاک تعیین مجازات و اجرای آن از سوی دادگاه را نیز بر همین بنیان استوار ساخت (فروغی و رحیمیان، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

۱-۱. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

ماده ۳۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به ذکر قواعد حاکم بر تعدد جرم می پردازد. به موجب این ماده: «هر گاه شخصی جرمی را مکرراً مرتکب شده بدون اینکه حکمی درباره او صادر شده باشد برای هر جرمی حکم مجازات علیحده صادر نمی گردد ولی محکمه مجرم را به حداکثر مجازات محکوم خواهد نمود». در خصوص ملاک تمایز میان حالت تکرار جرم و تعدد جرم، ماده ۳۳ قانون مجازات عمومی از عبارت «...بدون اینکه حکمی درباره او صادر شده باشد...» استفاده می کند. جهت تکمیل این قاعده لازم است به ماده ۲۴ این قانون مراجعه شود اما بر بندهای

سه گانه این ماده نیز وضعیت یکسانی حاکم نیست. به موجب بند ۱ این ماده جهت اعمال مقررات تکرار جرم لازم است که فرد سابقاً به موجب «حکم قطعی قابل اجرا» محکوم شده باشد، بند ۲ از «حکم قطعی» و بند ۳ ماده از «محکوم» بودن صحبت می کند.

در خصوص عوامل موثر بر اعمال قوانین تشدید مجازات در تعدد جرم، در قانون مجازات عمومی تعداد جرائم ارتكابی از سوی مرتكب تأثیری در اعمال یا میزان تشدید مقرر قانونی برای وی ندارد. به عبارتی قانون گذار صرفاً از کلمه «مکرراً» استفاده کرده است و چه فرد مرتكب دو جرم شده باشد و چه مرتكب بیش از دو جرم، قواعد تعدد جرم به صورت یکسان بر وی اعمال خواهد شد.

موضوع تأثیر مختلف یا غیرمختلف بودن جرم ارتكابی در تعدد جرم در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ موضوع بحث برانگیزی است. قبل از پرداختن به قاعده تعدد در این خصوص، توجه به مقررات تکرار جرم در این قانون خالی از فایده نیست. قانون گذار ۱۳۰۴ در تدوین مقررات تکرار جرم با شرح و بسط بیشتری عمل کرده است. در ماده ۲۴ این قانون شاهد ایجاد تمایز از جهتی میان جرایم از حیث شدت و ضعف آن ها هستیم. بنابراین قانون گذار در بندهای مختلف در خصوص جرایم جنایی یا جنحه ای متفاوت عمل کرده و از دیگر سو در بند ۳ با به کار بردن عبارت «مثل همان جرم» به اهمیت مختلف و یا غیرمختلف بودن موضوع بند ۳ تصریح کرده است. بنابراین بند ۳ ناظر بر حالتی است که جرم بعدی مثل همان جرم قبلی باشد، نه فقط از نظر مجازات بلکه از جهت نوع جرایم. در این بند «سرقت و اختلاس و خیانت در امانت در خصوص تکرار جرم» مثل هم محسوب شده اند. توجه به این مقرر نشان می دهد که قانون گذار ۱۳۰۴ بر اهمیت و لزوم دقت به نوع جرم ارتكابی از جنبه مشابهت با جرم قبلی و اهمیت تأثیر آن در تشدید مجازات توجه داشته است اما چنین تصریحی را در خصوص قواعد تعدد جرم شاهد نیستیم.

با وجود اینکه قانون صراحتاً در موضوع تعدد به این امر اشاره نکرده است (فاضلی چهارمحالی و فرهنگند، ۱۴۰۲: ۳۲۲)، اما توجه به بیان قانون گذار از دیدگاه یک تفسیر ادبی خالی از لطف نیست. در ماده ۳۳ آمده است: «هرگاه شخص جرمی را مکرراً مرتكب شده ...». «ی» متصل به «جرم» را شاید بتوان به «یک» جرم تفسیر نمود بدین معنا که هرگاه شخصی یک جرم را، به عبارتی جرم مشابهی را مرتكب شود. با این وجود و اگر فرض را بر این بگذاریم که در ماده ۳۳ نظر به جرایم مشابه و مثل هم داشته است، با توجه به اینکه در بند ۳ ماده ۲۴ تصریح شده که جرایم مذکور «در خصوص تکرار» مثل هم محسوب می شوند، با چالش شناسایی جرائم مثل هم در تعدد جرم مواجه می شدیم. با این وجود به نظر می رسد این ماده با توجه به حکم پایانی آن یعنی الزام

قاضی به تعیین یک مجازات، ناظر بر جرایم مشابه است.

آخرین نکته در خصوص ماده ۳۳ حدود اختیارت قاضی در اعمال مقررات تعدد جرم است. به موجب این ماده، قاضی در اعمال مقررات تعدد جرم اختیار ندارد؛ بدین معنا که در صورت حصول شرایط قاضی مکلف است قواعد تعدد جرم را اعمال نماید. در ادامه قاضی در صورت وجود شرایط تعدد جرم حق تعیین چند مجازات را ندارد و در راستای تشدید باید فرد را به حداکثر مجازات محکوم نماید. در این خصوص تفاوتی میان فردی که مرتکب دو جرم شده با فردی که مرتکب جرایم بیشتری شده است، وجود ندارد. بنابراین قاضی در این قانون نه حق تعیین چند مجازات را دارد و نه حق تعیین مجازات کمتر از حداکثر و نه حق بالاتر رفتن از حداکثر مجازات و محدود به تعیین «حداکثر» مجازات است.

در مهر ۱۳۱۲ ماده ۲ از مواد الحاقیه به قانون آیین دادرسی کیفری، مقررهای مهم در خصوص تعدد جرم وضع کرد. به موجب این ماده: «اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر یک از آن‌ها مطابق قانون جرم باشد محکمه برای هر یک از آن اعمال حکم مجازات علیحده صادر خواهد کرد ولو اینکه مجموع آن اعمال به موجب قانون جرم خاصی شناخته شده یا بعضی از آنها مقدمه جرم دیگری باشد. در صورتی که فرداً فرد اعمال ارتكاییه جرم بوده بدون اینکه مجموع آن‌ها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک حداکثر مجازات مقرر را معین نماید. در صورتی که فرداً فرد آن اعمال جرم بوده و مجموع آن‌ها نیز در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک از آن اعمال مجازات علیحده تعیین کرده و برای مجموع نیز مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد. در هر یک از موارد فوق مجازات اشد به موقع اجرا گذارده می‌شود.» با تصویب این ماده، ابهامات در خصوص لزوم توجه به مختلف یا غیرمختلف بودن جرایم متعدد برطرف می‌گردد. این ماده علاوه بر اینکه اشاره‌ای به موضوع نوع جرایم از حیث مثل هم بودن نکرده است، بدون توجه به تعداد جرایم ارتكابی مقررات مربوط به تشدید مجازات در حالت تعدد جرم را بیان می‌کند. به موجب این ماده اعمال تشدید از سوی قاضی در حالت تعدد جرم الزامی بوده و قاضی بدون توجه به نوع و تعداد جرایم ارتكابی، در حالت تعدد جرم، باید برای هر جرم به طور جداگانه حداکثر مجازات را تعیین نماید. بنابراین در سال ۱۳۱۲ نیز قاضی حق فراتر رفتن از حداکثر مجازات را نداشته و نهایتاً در اعمال تشدید ملزم بوده، اختیاری ندارد و در نهایت مجازات اشد به اجرا گذاشته خواهد شد (الهام، ۱۳۷۲: ۲۴-۲۵).

۲-۱. قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲

مقررات مربوط به تعدد جرم در سال ۱۳۵۲ بسیار دقیق تر شده و شاهد تصویب مواد دقیق و البته بسیار کاربردی و جامع تری به نسبت قوانین قبلی هستیم.

در خصوص ملاک تمایز میان حالت تکرار جرم و تعدد جرم قانون مصوب سال ۱۳۵۲ به روشنی در ماده ۲۴ تعیین تکلیف کرده و به نسبت قانون ۱۳۰۴ با مقررده دقیق تری مواجه هستیم. به موجب این ماده جهت اعمال مقررات تکرار جرم لازم است که در خصوص جرایم سابق حکم قطعی صادر شده باشد. گرچه به نظر می رسد قانون گذار سال ۱۳۰۴ نیز همین قصد را داشته، اما دیدیم که چگونه در این خصوص از عبارات قابل تفسیر استفاده کرده بود.

مقتن در خصوص عوامل موثر بر اعمال قوانین تشدید مجازات در تعدد جرم قانون ۱۳۵۲ به موضوع تعداد جرایم ارتكابی از سوی مرتکب توجه داشته است. به موجب بند الف ماده ۳۲ این قانون «در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی از سه جرم بیشتر نباشد، دادگاه مکلف است برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را مورد حکم قرار دهد و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، دادگاه مجازات هر یک از جرائم را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی معین می کند؛ بدون اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجرا است...». توجه به تعداد جرایم ارتكابی از سوی مرتکب و تاثیر آن بر شکل و میزان مجازات تعیینی برای وی حاکی از توجه قانون گذار به اهمیت میزان حالت خطرناک مرتکب براساس تعداد جرایم ارتكابی از سوی او است. قانون گذار در سال ۱۳۵۲ براساس تجربیاتی که در عمل کسب شده، به سمت ایجاد قواعدی رفته که در عمل فایده بخش باشد.

به موجب بند «د» ماده ۳۲ قانون ۱۳۵۲ «مقررات تعدد جرم در امور خلافی جاری نیست و فقط مجازات های خلافی با هم و همچنین با مجازات های جنائی و جنحه ای جمع می شوند». این مقررده نیز خود حاکی از توجه قانون گذار، براساس تجربه های کسب شده و تحول در دیدگاه ها، به اهمیت جرم ارتكابی و شدت صدمه به نظم عمومی در تعیین مقررات ناظر بر تشدید مجازات است (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۹۹). در این قانون در خصوص تعدد جرم اشاره ای به تاثیر مختلف یا غیرمختلف بودن جرایم ارتكابی از سوی مرتکب در حالت تعدد جرم نشده، اما این امر همچنان مشابه سال ۱۳۰۴ در مقررات مربوط به تکرار جرم مورد توجه بوده است.

در مقررات مربوط به تکرار جرم در قانون ۱۳۵۲ قانون گذار با بهره گیری از تجربیات خود، در خصوص جرایم «نظیر» هم مقررات خود را توسعه داده است. ماده ۲۵ این قانون با این بیان که «در صورتیکه جرم جدید نظیر یکی از جرائم سابق مجرم اعم از شروع و مباشرت و شرکت و معاونت

در جرم باشد ...» نسبت به روشن کردن مفهوم جرائم نظیر هم اقدام کرده و همچنین در تبصره یک این ماده بدین شرح مواردی را بر مصادیق جرائم نظیر هم مذکور در قانون ۱۳۰۴ افزوده است: «جرائم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، اختلاس، تدلیس، ارتشاء و جرائم دیگری که قانوناً در حکم جرائم مذکور شناخته شده باشند» [باشند] از حیث تکرار جرم نظیر هم محسوب است».

در خصوص حدود اختیارت قاضی در اعمال مقررات تعدد جرم، قانون‌گذار ۱۳۵۲ همانند سال ۱۳۰۴ در صورت وجود شرایط، قاضی را مکلف به اعمال تشدید می‌نماید. این امر در این قانون با ذکر عبارت «... دادگاه مکلف است...» به صراحت بر قاضی تکلیف شده است. مشاهده می‌شود که به موجب ماده ۳۲ میزان تشدید کاملاً مشخص بوده و قاضی مکلف است در محدوده و سقف تعیینی تشدید را اعمال نماید؛ بنابراین اختیاری در میزان یا در کاستن یا فراتر رفتن از حدی را ندارد. اما نکته مهم و متمایز این قانون در مقایسه با قانون ۱۳۰۴ این است که در قانون ۱۳۰۴ برای هر جرم مجازات جداگانه تعیین نمی‌شد و صرفاً حداکثر مجازات اعمال می‌گردید که همین بیان این نظر را تقویت می‌کرد که ماده ناظر بر جرایم مشابه است. اما در قانون ۱۳۵۲ قانون‌گذار دادگاه را مکلف نموده که برای هر جرم براساس قاعده مذکور در ماده تعیین مجازات نماید و سپس «... فقط مجازات اشد قابل اجرا است...». لذا تعیین مجازات برای هر جرم و نهایتاً اجرای مجازات اشد اولین بار در قانون ۱۳۵۲ مطرح شد. در ادامه مقرر می‌دارد: «اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یا تبدیل یافته یا غیر قابل اجرا بشود مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد در صورتیکه مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مقررات تعدد جرم رعایت نخواهد شد و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد». مقررهای که در قانون‌گذاری بعد از انقلاب شاهد تکرار آن هستیم.

۲. بررسی تحلیلی قوانین بعد از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تحت تاثیر تحولات سیاسی شاهد تغییرات بنیادین در سیاست‌گذاری در حوزه‌های گوناگون هستیم که ناشی از یک تغییر ایدئولوژیک و مبنایی است. در حوزه قانون‌گذاری این تغییرات در قوانین کیفری ماهوی و متعاقب آن شکلی، نمود پررنگ و همه‌جانبه‌ای داشته و قانون‌گذار با مدنظر داشتن قواعد شرعی دست به قانون‌گذاری زده که در سایر قوانین بدین شکل شاهد آن نیستیم. در این میان بحث تعدد جرم از موضوعاتی است که با توجه به اینکه در شرع و در بحث حدود و قصاص به این موضوع توجه شده، این تحول چشمگیر

و اساسی است. قوانین تصویب شده پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ در زمینه تعدد را می‌توان در دو دوره مختلف مورد بررسی قرار داد؛ دوره اول قوانین، مصوب در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ و دوره دوم، قوانین تصویب شده در سال ۱۳۹۲ و پس از آن. در این دو دوره قانون‌گذاری در حوزه تعدد جرم شاهد تحولاتی اساسی هستیم که نیازمند یک بررسی مبنایی هستند.

۲-۱. قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲

قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲ نخستین قانونی است که پس از انقلاب به موضوع تعدد جرم و قواعد حاکم بر تعیین مجازات در این حالت پرداخته است.

لازم به ذکر است که مقررات این بخش به صراحت قانون مختص مجازات‌های تعزیری است و حدود و قصاص از آن مستثنا شده است؛ همچنین مقررات ناظر بر تعدد و تکرار جرم در قانون ۱۳۶۲ بر خلاف رویه‌ای که قبل از انقلاب طی کرده بود، مجدداً بسیار مختصر و محدود به چند ماده با مقرره‌های حداقلی شده است.

در خصوص ملاک تمایز میان حالت تکرار جرم و تعدد جرم، قانون‌گذار مستند به ماده ۱۹ این قانون در خصوص تکرار جرم، به «اجرای حکم» توجه می‌کند و لذا با قوانین سابق که معیار بر «صدور حکم قطعی» تعیین شده بود متفاوت عمل می‌کند، که این تفاوت ناشی از مدل موجود در فقه در خصوص مجازات‌های حدی است (میرمحمدصادقی و درزی رامندی، ۱۳۹۶: ۵۴). گرچه برخی معتقدند که تغییر قاعده فقط در حوزه تکرار جرم ایجاد شده و در تعدد جرم همچنان ملاک صدور حکم قطعی است (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳۳)، اما در صورت پذیرش این نظر در خصوص مواردی که بین این دو حالت قرار خواهند گرفت با چالش مواجه خواهیم بود.

در خصوص عوامل موثر بر اعمال قوانین تشدید مجازات در تعدد جرم مستند به ماده ۲۵ قانون‌گذار معیار توجه به تعداد جرائم ارتكابی که در سال ۱۳۵۲ در تعدد جرم به رسمیت شناخته شده بود را کنار گذاشته و تاکید را بر اهمیت توجه به مختلف و غیرمختلف بودن جرائم می‌گذارد. به موجب این ماده «در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می‌گردد و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل مشده کیفر باشد ...». این انتخاب نیز از توجه به مدل‌های موجود در فقه در خصوص مجازات‌های حدی ناشی می‌شود (فاضلی چهارمحالی و فرهنگ، ۱۴۰۲: ۳۲۲). قانون‌گذار در بحث تکرار جرم نیز به نظر می‌رسد با به کار بردن عبارت «همان» جرم از همین دیدگاه پیروی کرده است.

نکته مهم این است که قانون‌گذار معیار مشخصی برای تشخیص جرایم مختلف و غیرمختلف

ارایه نکرده است. قانون‌گذار ۱۳۵۲ بعد از یک تجربه قانون‌گذاری و اجرای قانون به سمت تبیین هرچه بیشتر این موضوع در بحث تکرار جرم در حال حرکت بود و این امر نشان از اهمیت و لزوم تعیین تکلیف در خصوص آن را داشت اما متأسفانه پس از انقلاب این معیار در بحث تعدد جرم به صورت قانونی به رسمیت شناخته شد بدون آنکه در خصوص ملاک شناسایی این جرائم اقدامی صورت گیرد.

آنچه که در خصوص مقررات حاکم بر حالت تعدد جرم پس از انقلاب بیشترین اهمیت را دارد، حدود اختیارت قاضی در اعمال مقررات تعدد جرم است. همان‌طور که در بیان اجمالی مواد قوانین قبل از انقلاب شاهد بودیم قانون‌گذار هر دو معیار تعداد جرایم ارتكابی و معیار مختلف و غیرمختلف بودن جرم و تاثیر آن در تشدید را مورد توجه قرار داده بود و لذا این انتخاب قانون‌گذار پس از انقلاب با توجه به سوابق موجود امر بدیعی نبود. از سویی قانون‌گذار در حالت ارتكاب جرایم غیرمختلف اختیار تشدید را با به‌کار بردن کلمه «می‌تواند» به‌طور کامل به قاضی داده است؛ امری که در قوانین قبلی در اختیار دادگاه نبود و دادگاه ملزم به اعمال تشدید بود. از سوی دیگر هیچ‌میزانی جهت تشدید مشخص نکرده و ظاهر ماده بیان‌گر اختیار تام قاضی نه تنها در اعمال تشدید، که میزان تشدید است. امری که براساس مبانی توجیهی آن در فقه، در قانون ۱۳۷۰ نیز تکرار شد و چالش‌های متعددی را در عمل ایجاد نمود.

قانون‌گذار در این ماده حق تعیین مجازات به بیش از حداکثر مقرر قانونی را به دادگاه داده، اما متأسفانه هیچ معیاری را برای نحوه و میزان تشدید مجازات ارائه نداده است. لذا ظاهراً از لحاظ قانونی دادگاه‌ها در خصوص میزان تشدید مجازات محدودیتی ندارند و این امر، تعارض این ماده با اصل قانونی بودن مجازات‌ها را تداعی می‌کند؛ چراکه اصل قانونی بودن مجازات به این معنا است که هیچ مجازاتی قابل اعمال نیست، مگر آن‌که قانون‌گذار میزان و نحوه اجرای آن را تعیین و اعلام کرده باشد. این در حالی است که قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ در بند الف ماده ۳۲ خود در خصوص نحوه تشدید مجازات در بحث از تعدد جرم، معیاری را پذیرفته بود و مقنن پس از انقلاب نیز می‌توانست از آن تجربه بهره‌مند گردد (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳۷).

نتیجه آن‌که به‌موجب این ماده در جرایم مختلف برای هر جرم یک مجازات تعیین شده و لذا قانون‌گذار بر خلاف رویه قبل از انقلاب در این حالت از تعدد جرم قاعده جمع مجازات را پذیرفته و در خصوص جرایم مشابه تعیین یک مجازات به همراه اختیار قاضی در تشدید و میزان آن را پذیرفته است. در این حالت ظاهر ماده و البته روح حاکم بر قانون براساس مذاکرات انجام شده در فرآیند تصویب آن این‌گونه حکم می‌کند که قاضی در تعیین حداقل یا حداکثر یا بالاتر

رفتن از حداکثر تا هر میزان مبسوط‌الید و دارای اختیار تام است. این اختیار در تشدید در حالت تکرار جرم نیز به همین شکل به دادگاه داده شده است. «به نظر می‌رسد منظور از تشدید مجازات، تعیین مجازات به بیش از حداکثر مقرر قانونی است و در دکترین حقوقی هم نظریه مخالفی در این خصوص وجود ندارد. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه هم در نظرهای متعدد ابرازی خود تا پیش از رأی وحدت رویه هیات عمومی (۶۰۸-۲۷/۶/۷۵) که در قسمت بعدی به آن خواهیم پرداخت، این عقیده را که منظور از تشدید، تعیین مجازات به بیش از حداکثر مقرر قانونی است بیان داشته است» (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳۶).

۲-۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در خصوص قواعد تعدد مشابه قانون ۱۳۶۲ است و شاهد تغییری در خصوص این حالت موثر در تعیین مجازات نیستیم. این قانون از حیث لزوم اجرای مجازات به عنوان ملاک تمایز میان تعدد و تکرار، توجه به مختلف و غیرمختلف بودن جرم به عنوان عامل تشدید، جمع مجازات‌ها در صورت مختلف بودن جرایم ارتكابی (از آن جهت که هر جرمی، سبب است برای اعمال مجازات مربوطه (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۳۹۳))، تعیین یک مجازات برای جرایم غیرمختلف و مشابه، تعیین نکردن محدوده اختیار قاضی در تشدید از جهت فراتر رفتن از حداکثر و نهایتاً اعطای اختیار تام در تشدید یا عدم تشدید مجازات تعیینی در حالت ارتكاب جرایم مشابه شبیه قانون ۱۳۶۲ می‌باشد.

پس از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در خصوص میزان تشدید، اختلاف نظرهایی بین مراجع مختلف به‌وجود آمده و منجر به صدور آرای متفاوت و همچنین نظریات مشورتی متعدد در این زمینه شد. نهایتاً هیات عمومی دیوان عالی کشور اقدام به صدور یک رأی وحدت رویه در این خصوص نمود. در رأی وحدت رویه هیات عمومی (۶۰۸-۲۷/۶/۷۵) آمده است: «... تعیین مجازات برای متهم بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون بدون اینکه نص صریحی در این خصوص وجود داشته باشد فاقد وجاهت قانونی است...» (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۲۸). این رأی علی‌رغم انتقاداتی که بر آن وارد است مهمترین قاعده‌گذاری در خصوص تعدد جرم تا قبل از تصویب قانون ۱۳۹۲ بود. نظر به اینکه تعیین مجازات در محدوده حداقل و حداکثر در اختیار قاضی است، محدود شدن قاضی به تعیین حداکثر در حالت تعدد در عمل مقررات تشدید را بی‌معنا و خالی از فایده خواهد کرد.

۲-۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

پس از گذشت بیش از دو دهه از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ قانون‌گذار در سال

۱۳۹۲ اقدام به تصویب قانونی نمود که انتظار می‌رفت در بسیاری از موضوعات به سمت بهره‌گیری از تجربیات حرکت نماید. این قانون به نسبت قوانین قبلی خصوصاً در قسمت کلیات فربه‌تر شده و در خصوص موضوع بحث تعدد نیز مقررات دچار تحول اساسی شده‌اند.

به موجب این قانون تمایز میان حالت تکرار جرم و تعدد جرم در تعزیرات، صدور حکم قطعی است. در مقایسه ماده ۱۳۶ و ۱۳۷ دیده می‌شود که قانون‌گذار در حدود و به تبعیت از فقه، ملاک اعمال مقررات تکرار را اجرای مجازات قرار داده، اما در ماده ۱۳۷ این معیار برای مجازات‌های تعزیری، صدور حکم قطعی تعیین شده است (رضایی و صفری، ۱۳۹۷: ۳۰۰). بر این اساس مشاهده می‌شود که پس از گذشت ۳۰ سال از اولین قانون مصوب پس از انقلاب در حوزه تعدد و تکرار، قانون‌گذار از موضوع قبلی خود در این زمینه عدول کرده و علی‌رغم اینکه سابقاً در تعزیرات با الگو قرار دادن مقررات مربوط به حدود عمل نموده بود، تغییر موضع داده و مقرره‌ای مشابه مقرر مصوب قبل از انقلاب اسلامی را تصویب نموده است.

عامل موثر بر اعمال قوانین تشدید مجازات در حالت تعدد جرم در قانون مصوب ۱۳۹۲ چرخشی واضح به سمت تعیین قاعده به سبک قوانین قبل از انقلاب داشته است. به موجب ماده ۱۳۴، قانون‌گذار در اعمال مقررات تشدید به تعداد جرایم ارتكابی از سوی مرتکب توجه داشته است و مقرره‌ای مشابه قانون ۱۳۵۲ تصویب نموده است. به موجب این ماده «در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است ...».

بحث از علت انتخاب یک معیار در سال ۱۳۷۰ و تغییر آن در سال ۱۳۹۲ از طرف قانون‌گذار جمهوری اسلامی و از جهت ایدئولوژیک امری است که به تفصیل در قسمت بعد به آن پرداخته خواهد شد. به نظر می‌رسد که این تغییر چرخشی اساسی به سمت قانون ۱۳۵۲ باشد اما از طرفی نگاه به مباحث فقهی نشان می‌دهد که مغایرتی نیز با مبانی فقهی ندارد. به هر حال این تغییر اساسی از جهت رفع مشکل مربوط به تشخیص مختلف و غیرمختلف بودن جرایم مفید باشد و به هر حال ارزیابی مرتکب براساس جرایم ارتكابی و حالت خطرناک وی مفیدتر به نظر می‌رسد.

در تبصره ۴ ماده ۱۳۴ شاهد مقرره‌ای در خصوص جرایم کم‌اهمیت درجه هفت و هشت هستیم که بسیار شبیه مقرر مندرج در قانون ۱۳۵۲ در خصوص جرایم خلافی است: «مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجراء نمی‌شود. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد».

نکته مهم دیگر آن که در مرحله اجرای مجازات برخلاف قوانین ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ که شاهد بودیم در حالت ارتکاب جرائم مختلف مجازات‌ها جمع می‌شدند در این قانون در هر حالت مجازات اشد اجرا می‌شود.

حدود اختیارت قاضی در اعمال مقررات تعدد جرم، موضوع دیگری است که قانون‌گذار علی‌رغم استدلال‌ها و مبانی فقهی که در سال‌های پس از انقلاب و در زمان تصویب قانون ۱۳۶۲ در خصوص آن تغییرات بنیادین ایجاد نمود، در سال ۱۳۹۲ نسبت به آن تغییر موضع داده و اقدام به محدود کردن اختیارات قاضی کرده است.

از سویی ماده ۱۳۴ به‌نحوی تنظیم شده است که نشانی از اختیار قاضی در اعمال قواعد تشدید دیده نمی‌شود و دادگاه در صورت وجود شرایط تشدید باید نسبت به اعمال قواعد اقدام کند. دادگاه باید در حالت کمتر از سه جرم برای هر جرم مجازات جداگانه و حداکثر مجازات را تعیین کند و در صورت ارتکاب بیشتر از سه جرم بایستی به‌نحو مقرر در ماده به تعیین بیش از حداکثر تا سقف مذکور در قانون تعیین مجازات نماید. بنابراین قاضی در میزان تشدید مبسوط‌الید نیست و قانون‌گذار حدود تشدید و میزان فراتر رفتن از حداکثر را مشخص کرده است. برخلاف قوانین ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ که دادگاه در اصل تشدید مختار بوده و در خصوص میزان تشدید نیز مقرره‌ای که قاضی را محدود کند، وجود نداشت. در ادامه این ماده در مواد گوناگون قانون‌گذار حالت‌های مختلفی را پیش‌بینی می‌کند که در محدوده بحث ما قرار نمی‌گیرد اما از این جهت که قانون‌گذار دست به پیش‌بینی حالت‌های گوناگون زده و سعی در قاعده‌مند نمودن موضوعات و تعیین محدوده اختیارت قاضی زده، قابل توجه است. به عنوان مثال قانون‌گذار در اقدامی جدید تکلیف حالت‌های تعدد جرایم موجب حد و تعزیر و قصاص را نیز مشخص کرده و مجدداً این قانون در این قسمت به نسبت قوانین سابق قوی‌تر عمل کرده است.

۲-۴. قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

قانون کاهش مجازات حبس تعزیر همان‌گونه که از نام آن پیدا است، در راستای هدف کاهش جمعیت زندان‌ها و کاهش مجازات حبس تعزیری می‌باشد. البته این هدف صرفاً با کاهش مجازات حبس به‌صورت کمی انجام نشده و قانون‌گذار در مواردی با تغییر در قواعد و شرایط حاکم بر مجازات‌ها در پی تحقق این هدف بودن است. بر این اساس شاهد تغییراتی در مقررات مربوط به تعدد جرم نیز هستیم. البته در مواردی همچون تغییر رویکرد نسبت به نتایج متعدد ناشی از فعل واحد نتایج موثر و عملی در راستای این هدف شاهد نیستیم و این امر بیانگر آن است که

قانون‌گذار در پی تغییر نگرش نسبت به موضوع تعدد جرم برخی قواعد را نیازمند تغییر دیده و در این فرصت به آن جامه عمل پوشانیده است.

معیار تمایز میان حالت تکرار جرم و تعدد جرم، علی‌رغم اینکه این قانون تغییراتی از حیث درجه جرائم ارتكابی در شرایط تحقق تکرار جرم ایجاد کرده، همچنان صدور حکم قطعی باقی مانده و از این لحاظ شاهد تغییری در این قانون نیستیم.

عامل مؤثر بر اعمال قوانین تشدید مجازات در حالت تعدد جرم در این قانون مجدداً تغییر یافته و در این قانون شاهد توجه قانون‌گذار به تاثیر ترکیبی از عوامل بر تعیین مجازات در حالت تعدد جرم هستیم. به‌طور خلاصه این قانون ترکیبی از عامل تعداد جرائم ارتكابی از سوی مرتکب و عامل مختلف یا غیرمختلف بودن را مدنظر قرار داده و براساس آن اقدام به تعیین قاعده نموده است.

به‌موجب این قانون ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ اصلاح شده است. در سه بند اول این ماده بدین شرح شیوه اعمال مقررات تعدد جرم بر جرایم مختلف و غیرمختلف بیان شده است: «الف- هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند. ب- در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است. پ- چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند».

به صراحت این ماده زمانی که جرایم مختلف نباشند یعنی در حالت ارتكاب جرائم مشابه از سوی مرتکب فقط یک مجازات تعیین می‌شود و از این حیث این قانون مشابه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تنظیم شده است.

اما در صورتی که جرایم مختلف باشند، میزان تشدید در حالتی که جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشند، با حالتی که جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشند متفاوت خواهد بود. تفاوتی که این قانون نسبت به قانون ۱۳۹۲ ایجاد کرده، منجر به کاهش مجازات حبس در صورت‌هایی از تشدید مجازات در حالت تعدد جرم شده است. به‌موجب این قانون از سویی در تعیین مجازات جرایم مشابه اعمال تشدید به شکل جرایم مختلف الزامی نیست و همچنین در جرایم مختلف نیز در صورت ارتكاب کمتر از سه جرم قاضی امکان فراتر رفتن از حداکثر را ندارد و صرفاً در راستای تشدید حداقل مجازات بالاتر تعیین شده است؛ در حالی که قانون سابق در این حالت نیز مجازات

بیش از حداکثر تا نصف تعیین شده بود و در نهایت در صورت ارتکاب بیش از سه جرم مختلف میزان فراتر رفتن از حداکثر به نسبت قانون از نصف به یک چهارم تقلیل یافته است. فارغ از این تقلیل صورت گرفته در سقف تشدید، آنچه مدنظر این مقاله است، توجه قانون گذار به معیارهای گوناگون در حالت تعدد جرم جهت تعیین مجازات است. قانون گذار در راستای هدف خود مبنی بر کاهش مجازات حبس با نگاهی به سابقه قانون گذاری و همچنین مصادیق موجود در شرع، ترکیبی از عوامل را موثر تشخیص داده که البته در خصوص موثر بودن هر دو این عوامل نمی توان تشکیک نمود.

در ادامه به تبعیت از قانون ۱۳۹۲ شاهدیم که در بند ت ماده ۱۳۴ در خصوص جرایم درجه هفت و هشت مقررہ متفاوتی وضع نموده که همان طور که قبلاً گفته شد، تبعیت از شیوه قانون گذار قبل از انقلاب در خصوص جرائم خلافی و کم اهمیت است (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۹۹). در مقام اجرای مجازات این قانون نیز رویه قانون ۱۳۹۲ را در پیش گرفته و مقرر می دارد: «ث- در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات آشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است...».

حدود اختیارت قاضی در اعمال مقررات تعدد جرم نیز در این قانون شاهد تحولاتی است. به موجب بند الف دادگاه در اعمال مقررات نسبت به حالت وجود جرائم غیرمختلف اختیار دارد اما در خصوص اعمال مقررات مربوط به بندهای ب و پ در خصوص جرایم غیرمختلف دو حالت متصور است. در صورتی که جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، دادگاه از حیث حداقل مجازات با الزام روبروست و لذا نمی تواند نسبت به تعیین مجازات کمتر از حداقل مقرر در ماده اقدام نماید و اختیار فراتر رفتن از حداکثر را هم ندارد؛ به عبارتی قانون گذار با بالا بردن حداقل نسبت به این حالت تشدید ایجاد نموده است. اما در صورتی که جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات همان حداکثر مجازات قانونی است و از سویی دادگاه اجازه تعیین مجازات کمتر برای مرتکب را ندارد اما از حیث بالاتر رفتن از حداکثر تا یک چهارم دارای اختیار است.

بنابراین در حوزه میزان اختیارات دادگاه در تعیین مجازات در حالت تعدد جرم نیز این قانون ترکیبی از عوامل را در نظر گرفته و مقررات متفاوتی را ایجاد کرده و در مقایسه با قوانین سابق، نه مشابه با قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ است که قاضی را دارای اختیار تام می دانست و نه به شیوه قانون مصوب ۱۳۹۲ دادگاه را از هر حیث محدود می کند. گفته خواهد شد که این تحول در راستای هدف این قانون جهت کاهش مجازات حبس تعزیری بوده و به نظر نمی رسد اعطای اختیار به قاضی در این قانون در جهت روش ایدئولوژیک اتخاذی در سال ۱۳۷۰ باشد.

۳. بررسی مبانی تحول قوانین ناظر بر تعدد جرم قبل و بعد از انقلاب

تعدد جرم با توجه به اینکه بیانگر حالت خطرناک مجرم است، از موجبات تشدید مجازات می‌باشد. در خصوص تشدید مجازات در حالت ارتکاب جرائم متعدد سه شیوه مطرح است: جمع مجازات‌ها، مجازات اشد و مجازات اشد از شدیدترین مجازات. قانون‌گذار ما در سیر تحول قانون‌گذاری در هر مقطع از یکی از این شیوه‌ها استفاده کرده است و پس از انقلاب نیز شاهد به کارگیری این سه شیوه به صورت متفاوت در میان حدود و تعزیرات و قصاص و دیات و جمع این نوع از مجازات‌ها هستیم.

تشدید مجازات مرتکبان تکرار و تعدد جرم، از چشم‌انداز مبانی حقوق کیفری، متأثر از نظریه‌های پیامدگرا و به‌ویژه نظریه فایده‌گرایی است که بیشتر با هدف مرعوب ساختن بزهکار و درس عبرت دادن به بزهکاران احتمالی و بازدارندگی عمومی، توجیه می‌گردد. در مقابل، نظریه‌های مکافات‌گرا (سزاگرا) که به تناسب جرم و مجازات باور دارند، شدت و ضعف مجازات‌ها را تابعی از شدت و ضعف جرایم می‌دانند و بر این اساس، نظام تعدد و به‌ویژه تکرار را موجب تشدید مجازات فراتر از حد تناسب معقول نمی‌دانند. در واقع، دغدغه پیشگیری از جرایم در نگاه پیامدگرایان، از مجازات‌های شدیدتر در قبال تکرارکنندگان جرایم حمایت می‌کند؛ حال آن‌که مکافات‌گرایان آشکارا بر ممنوعیت چنین مجازات‌هایی تأکید می‌ورزند و هدف‌گذاری کیفری را براساس ملاحظات مربوط به «عدالت» و اصل تناسب توجیه می‌نمایند (رستمی، ۱۴۰۴: ۱۱۷).

در کشور ما قاعده‌گذاری در حوزه تعدد و تکرار قبل از انقلاب به پیروی از حقوق کیفری فرانسه انجام شده بود اما بعد از انقلاب قانون‌گذار با تسری مقررات موجود در حدود و تعزیرات اقدام به قاعده‌گذاری کرد که با عنایت به وجود تفاوت‌های ماهیتی بین حدود و تعزیرات این الگوبرداری مورد انتقاد قرار گرفت (میرمحمد صادقی و درزی رامندی، ۱۳۹۹: ۵۴). در این نوشتار بحث در خصوص حدود و قصاص و دیات مدنظر نیست اما تسری احکام توسط قانون‌گذار از حوزه حدود به حوزه تعزیرات، ما را نیازمند بررسی برخی از این قواعد می‌نماید.

در خصوص معیار تفکیک میان تعدد و تکرار جرم، قانون‌گذار پس از انقلاب از قاعده موجود در حدود که ملاک جهت اجرای مجدد حد را اجرای حد در خصوص جرم حدی ارتكابی قبلی می‌داند، استفاده کرده است. این موضوع در خصوص حدود در ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بخش تکرار جرم به شکل نظام‌مندی مورد تصریح قرار گرفت اما این قانون مجدداً با عدول از قاعده قبلی خود و با توجه به تجربیات نظام قضایی در تعزیرات به صدور حکم قطعی به عنوان ملاک تمایز میان تعدد و تکرار جرم تصریح کرده است.

در خصوص عامل موثر بر اعمال قوانین تشدید مجازات در حالت تعدد جرم نیز قانون‌گذار بعد از انقلاب با نگاه به شیوه عملکرد شارع در مجازات‌های حدی اقدام به تفکیک میان جرائم مشابه و غیرمشابه نمود. بعدها در قوانین مصوب ۱۳۹۲ و ۱۳۹۹ صراحتاً در خصوص تعدد در حدود به تاثیر یکسان بودن جرائم و مجازات آن در مجازات تعیینی برای مرتکب اشاره شده است (مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ ق.م.ا). از سوی دیگر قاعده جمع مجازات‌ها که در سال ۱۳۷۰ در خصوص جرائم غیرمشابه وضع گردیده، به وضوح بر مبنای «اصل عدم تداخل» در حقوق جزای اسلام است که براساس آن هرگاه شرط متعدد شد، جزا نیز متعدد می‌شود و با این اوصاف اسباب تداخل نمی‌کنند و برگزیده بزرگان از علما است (الهام، ۱۳۷۲: ۴۵-۴۶). البته در جرایم یکسان نیازی به تکرار مجازات نیست زیرا غرض از مجازات مقرر در این نوع از جرایم حمایت از مصالح یکسان و واحدی است لذا یک مجازات بر مرتکب اجرا می‌گردد (محمدی جورکویه، امتحانی و نادری عوج بغزی، ۱۴۰۱: ۴۴۷).

برخی معتقدند اقدام قانون‌گذار در خصوص تعیین مجازات متفاوت در حالت جرایم مشابه و مختلف پس از انقلاب فاقد سابقه تقنینی در قانون ما است (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳۲). اما همان‌گونه که تحلیلی اجمالی از قانون ۱۳۰۴ دیدیم، قانون‌گذار به مثل هم بودن یا نبودن جرائم در بحث تکرار توجه داشته و به‌طور کلی می‌توان گفت این امر به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در امر تشدید عام مدنظر بوده اما اعمال جمع مجازات‌ها در این خصوص پس از انقلاب به تبعیت از مقررات فقهی در باب حدود بوده است. توجه به مشابه یا مختلف بودن جرم در سال‌های پس از تصویب قانون ۱۳۷۰ در دسرافرین و گمراه‌کننده بود و در حال حاضر نیز این بیم را ایجاد می‌کند که دادگاه‌ها با مشکلات سابق مواجه شوند. در همین راستا اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظرات مشورتی متعدد سعی در تعیین حدود و ثغور در این خصوص کرده است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۷۶).

اما متابعت مقنن از موازین فقهی حدود در جهت تأسیس این تفکیک برای جرائم تعزیری و بازدارنده بنابه دلایلی درست نیست، که حقوق‌دانان به تفصیل به آن پرداخته‌اند. ازجمله اینکه اعمال مجازات در جرائم تعزیری و بازدارنده احکام خاص خود را دارد، در حدود، شارع از ارزش‌های اساسی و مهم مردم و جامعه حمایت کیفری می‌کند و بنابراین جرائم مستوجب حد از جرائم بسیار سنگین محسوب می‌شوند، در حالی که مجازات‌های تعزیری در پایین‌ترین سلسله از طبقه‌بندی مجازات‌ها به لحاظ شدت و ضعف قرار دارند. بر همین اساس، اگر در حدود برای تعدد جرائم مختلف، مجازات متعدد و برای تعدد جرائم مشابه، صرفاً یک مجازات اعمال می‌شود، دلیلی ندارد که عیناً همین قاعده در تعزیرات هم جاری باشد و احد از فقها نیز متعرض این معنا در بحث تعزیرات نشده است (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳۲). همچنین از لحاظ فقهی، اعمال مجازات

تعزیری دارای درجه است و نمی‌توان به صرف ارتکاب جرم در بار اول، مرتکب را به مجازات‌های سنگین محکوم کرد، بلکه در مجازات تعزیری - چه در باب تعدد و چه در باب جرم ساده - باید مراتب تعزیر از وعظ، تهدید، توبیخ، مجازات سبک، متوسط و سنگین رعایت گردد (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳۴). علاوه بر این‌ها جمع مجازات‌های مختلف در جرائم تعزیری و بازدارنده که عمدتاً به شکل مجازات سالب آزادی حبس است، در مواردی باعث سلب آزادی مادام‌العمر افراد می‌شود. بنابراین ضمن آن‌که بدون تردید، اقتضای اصل آن است که در حالت ارتکاب جرائم تعزیری متعدد مختلف، قاعده جمع مجازات‌ها اعمال شود، چراکه در هر صورت فرد مرتکب چندین جرم شده و مستحق چندین مجازات است، اما بدون تردید با توجه به ماهیت مجازات‌های تعزیری که از لحاظ شدت و ضعف در پایین‌ترین سلسله از مجازات‌های فقهی قرار دارند، روح موازن فقهی حاکی از سبک بودن این مجازات‌ها نسبت به مجازات‌های دیگر (حدود و قصاص) است (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳۵). «اشکالی که در عمل جمع مجازات‌ها دارد ناممکن و یا بیهودگی اجرای بعضی از آن‌ها و خروج از دایره عدل و انصاف است. برای مثال اگر بزه‌کار به کیفری حبس موقت یا دایم و نیز مجازات اعدام برای بزه‌های مختلف محکوم گردد هیچ فایده عقلانی در اجرای مجازات سالب آزادی متصور نیست. و یا اگر قرار باشد چند مجازات سالب آزادی که طول مدت آن‌ها از میانگین طول عمر یک انسان تجاوز کند با هم جمع گردد محکوم علیه باید تمام عمر خود را در زندان سپری کند و این برخلاف مقصود قانونگذار است» (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۲۷-۲۲۶).

سه دهه آزمودن قوانین و صدور آرای متعدد از دیوان عالی کشور نشان از ضعف مفرط قانون در پاسخگویی به نیازهای سیستم قضایی در رسیدگی به جرایم متعدد بوده و از دیدگاه حقوق کیفری نیز قوانین موجود مجازات متناسب با جرایم متعدد را اعمال نمی‌کردند. با عنایت به شرایط مذکور قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ دست به تغییرات گسترده در تعدد جرایم مستوجب تعزیر زد و در تعدد جرایم مستوجب حد، قصاص و دیات قوانین جدید وضع نمود (رضایی و صفری، ۱۳۹۷: ۳۱۵-۳۱۶).

در سال ۱۳۹۲ و پس از آن شاهد چرخش قانون‌گذار به سمت در نظر گرفتن تعداد جرایم ارتكابی از سوی فرد به عنوان یکی از معیارهای تشدید مجازات در تعزیرات هستیم. قانون‌گذار ایران در تعیین کیفر جرایم مهم‌تر تعزیری (جرایم غیر از درجات هفت و هشت تقسیم‌بندی جرایم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) با تقسیم کردن مجرمان که تا سه جرم مرتکب شده‌اند و مجرمان با تعداد جرایم بیشتر در میزان خطرناکی مجرمان برای امنیت جامعه را درجه‌بندی کرده و در حالتی که مجرم مرتکب جرایم متعدد تا سه جرم شده باشد

را مستحق مجازات اشد جرایم ارتكابی دانسته است (رضایی، صفری، ۱۳۹۷: ۳۱۴). علی‌رغم اینکه به نظر می‌رسد این قاعده از مقررات قبل از انقلاب اخذ شده، اما قانون‌گذار در به کاربردن آن به معیارهای شرعی نیز توجه دارد. به نظر می‌رسد وجود قاعده در حوزه حدود مبنی بر اینکه هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شده و حد بر او جاری شود، حد او در مرتبه چهارم اعدام است (ماده ۱۳۶ ق.م.ا)، در خصوص برگزیدن این معیار با رغبت بیشتری عمل کرده است. شاهد هستیم پس از اینکه در سال ۱۳۹۲ از معیار مختلف و غیرمختلف بودن جرایم دست کشیده بود، اما در سال ۱۳۹۹ و در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجدداً به این معیار باز می‌گردد. معیاری که دیدیم قبل از انقلاب نیز در امر تکرار و با تفاسیری در مبحثی از تعدد جرم مورد توجه قرار گرفته بود.

شایسته ذکر است قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ در مبحث تعدد جرم رویکرد نظام‌مندتری داشته و تعدد جرم را در همه جرایم پیش‌بینی نموده و نحوه تعیین مجازات در هر مورد را نیز جداگانه مورد توجه قرار داده است (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۸۴). در خصوص شیوه عملکرد قانون‌گذار در این خصوص در سال ۱۳۹۹ به نظر می‌رسد قانون‌گذار به سمت در نظر گرفتن مصالح جامعه به‌جای صرف توجه به مقررات شرعی رفته است.

در امر قانون‌گذاری گاه قانون‌گذار از دستور و راه‌حل‌های فقهی پیروی می‌کند و زمانی که تحت تاثیر موازین فقهی قرار دارد، اصولاً نه به نوع تعدد کاری دارد و نه از قواعد تعیین‌کننده در خصوص هر کدام از انواع تعدد جرم پیروی می‌کند (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۸۱). اما در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۹ قانون‌گذار صرفاً تحت تاثیر باورهای فقهی نیست و به نظر می‌رسد تحت تاثیر مصلحت و فایده اجتماعی است. بنابراین به دنبال راهی است که هم عدالت را اجرا کرده باشد و هم بیش از حد ضرورت مجازاتی به اجرا گذاشته نشود. بنابراین به نظر می‌رسد قانون‌گذار در این چاقوب از آزادی عمل بیشتری برخوردار است و الزامات اخلاقی و فقهی او را در مرزهای خود محدود نکرده‌اند (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۸۲). خصوصاً در سال ۱۳۹۹ همان‌گونه که از عنوان قانون نیز مشخص است، قانون‌گذار در پی آن بوده که به هر صورت با تصحیح قواعد ناظر بر تعیین مجازات از میزان حبس تعزیری بکاهد و شرایط تحمیل مجازات‌های شدید را سخت‌تر کند. از نظر برخی، اینکه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ با هدف تراکم‌زدایی از زندان‌ها، در مقایسه با قوانین سابق، سخت‌گیری را متوجه تعدد مادی از نوع مختلف می‌کند و اجازه تخفیف مجازات‌ها را نیز برابر مقررات عمومی داده است. این تحولات از دو جهت محل ایراد است: نخست آن‌که سبب جابه‌جایی بزه‌کاران می‌شود و آن‌ها می‌کوشند به‌جای ارتکاب جرم‌های مختلف، در عمل جرم‌های مشابه را مرتکب شوند که فقط یک مجازات داشته و

تشدید آن نیز اختیاری است و دوم، به لحاظ جرم‌شناسی، بزه‌کارانی که گرایش به ارتکاب جرم‌های مشابه دارند، به دلیل حرف‌های بودن و توان مهارتی بالا برای ارتکاب سریع‌تر جرم، می‌توانند خطرناک‌تر باشند (رستمی، ۱۴۰۴: ۱۲۸).

حدود اختیارت قاضی در اعمال مقررات تعدد جرم موضوع چالش‌برانگیز دیگری است که تغییرات آن در سیر قانون‌گذاری در حوزه تعدد جرم قابل مشاهده است. قبل از انقلاب در راستای الزامات اصل قانونی بودن اختیارت قاضی در اعمال مقررات تعدد جرم براساس شرایط قانونی دارای محدودیت بود اما به یک‌باره پس از انقلاب شاهد اعطای اختیارات تام و نامحدود به قاضی در اعمال مقررات تشدید و حتی میزان تشدید در دو دوره قانون‌گذاری قبل از سال ۱۳۹۲ هستیم. این تحول و شیوه نگرش به اختیارات قاضی نیز ناشی از نگاه فقه به موضوع و بر مبنای قاعده مشهور «التعزیر بما یراه الحاکم» ایجاد گردیده است. به دلیل اختلاف نظرهای موجود در خصوص این قاعده و خوانش از آن بحث لایحه تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ تبدیل به موضوعی چالش‌برانگیز در نظام سیاسی و حقوقی ایران شد و فقهای شورای نگهبان تحدید اختیارات قضات در تعیین تعزیرات را خلاف شرع تلقی می‌کردند در حالی که مسئولین قوه قضائیه این محدود سازی را ضروری می‌دانستند (الهام، ۱۳۹۳: ۹۴). این اختلاف در سال ۱۳۷۵ نیز مورد توجه قرار گرفت. شورای نگهبان هرگونه تحدید اختیارت قاضی را بر مبنای این قاعده با اشکال مواجه می‌دانست. نهایتاً ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) جهت کسب نظر شورای نگهبان به قانون اضافه شد تا بر عمومات و اطلاعات قانون حاکم باشد^۱ (الهام، ۱۳۹۳: ۹۵-۹۶). به هر حال در زمینه تعدد جرم علاوه بر این ماده در مواد مرتبط اختیار اصل تشدید و میزان تشدید به قاضی داده شد و بر همین اساس شاهد اختلافاتی در خصوص اجازه قاضی در فراتر رفتن از حداکثر مجازات تعیین شده در قانون در راستای تشدید مجازات هستیم که نهایتاً منجر به تصویب رای وحدت رویه شماره «۲۷/۶/۷۵-۶۰۸» گردید و عملاً اختیار قاضی محدود به حداکثر مجازات و به‌نحوی تشدید مجازات عملاً منتفی شد. در حالی که در حقوق کیفری ایران به عنوان یک علت عام تشدیدکننده مجازات محسوب می‌گردد. کیفیات مشدده، به اوصاف و جهاتی گفته می‌شود که از سوی قانون‌گذار تعیین شده و دادگاه با احراز وجود جهات موصوف، نسبت به تشدید مجازات اقدام می‌کند. مقصود از تشدید مجازات، تعیین مجازات به بیش از حداکثر مجازات قانونی است و در دکترین حقوقی نیز نظریه مخالفی در این خصوص وجود ندارد. تعیین مجازات در محدوده حداقل و حداکثر به منزله تشدید مجازات نیست و دادگاه علی‌رغم عدم وجود کیفیات

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مهرپور، ۱۳۶۸: ۱۱-۶۷.

تشدیدکننده نیز می‌تواند حداکثر مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد. از سوی دیگر اصل قانونی بودن جرم و مجازات ایجاب می‌کند که نه فقط اصل مجازات از سوی مقنن تعیین شود، بلکه میزان تشدید آن نیز لزوماً باید از سوی قانون‌گذار تعیین شود؛ بنابراین قاضی نمی‌تواند به میل خود و در غیر از مواردی که تشدید مجازات از طرف قانون مقرر شده، مجازات جرمی را تشدید کند (فروغی و رحیمیان، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ در این خصوص نیز با بازبینی در مفهوم حاکم و بر مبنای شرایط قضایی که مجال بحث آن در مقاله حاضر نیست، نسبت به تغییر این حوزه اختیارات بازبینی صورت داد اما در مواردی که مصلحت اقتضا می‌کرد با تعیین حدود و ثغور و شرایط قضایی را دارای اختیاراتی در اعمال مقررات دانست و همان‌طور که گفته شد، این امر با دیدگاه مصلحت‌گرایانه و نه صرف نگاه فقهی و شرعی به موضوع صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری

مقررات ناظر بر تعدد جرم در ادوار گوناگون قانون‌گذاری از جوانب گوناگون دستخوش تغییرات و تحولاتی شده‌اند. در مرحله اول قانون‌گذاری همانند سایر قوانین تصویب‌شده قبل از انقلاب می‌توان شروع قانون‌گذاری در این حوزه را برگرفته از حقوق فرانسه و ادامه مسیر را حرکت به سمت رفع مشکلات ناشی از خلأ یا ابهام در قوانین دانست. اما پس از انقلاب اسلامی تحولات تماماً تحت تاثیر تحولات سیاسی و ناشی از نگاه ایدئولوژیک قانون‌گذار در وضع قوانین منطبق با قواعد شرعی بوده است.

این تغییر بنیادین و ایدئولوژیک منجر به تغییراتی در مقررات این حوزه گردید که در مباحث بسیار مهمی همچون میزان اختیارات قاضی در تعیین میزان تشدید، مسئله برانگیز شده و دستگاه قضایی را با چالش‌هایی مواجه ساخت. با این حال نمی‌توان تغییرات ایجاد شده در مقررات این حوزه در سال ۱۳۹۲ را خلاف مقررات شرعی و بدون توجه به مبانی آن دانست. همچنین گرچه به نظر می‌رسد در نزدیک به یک قرن قانون‌گذاری شاهد مقرراتی مشابه سال ۱۳۰۴ در حوزه تعدد در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ هستیم اما باید توجه داشت تحولات صورت گرفته در این سال نیز در بسیاری موارد از مبانی فاصله نگرفته‌اند و به عبارتی همچنان با مقررات شرعی در تضاد نیستند و این چرخش قانونی از سوی قانون‌گذار را می‌توان با نگاه مصلحت‌اندیشانه و در راستای اهداف کلی این قانون دانست و نه الزاماً بازگشت به گذشته تقنینی.

مشاهده می‌شود که قانون‌گذار در آخرین اراده خود با در نظر گرفتن و تمرکز بر اصلی‌ترین عواملی که در تشخیص حالت خطرناک مرتکب موثر هستند، به سمت تعیین قاعده بر مبنای

مصالح اجتماعی و الزامات حاکم بر تعدد جرم حرکت کرده است. لذا بر این اساس از جنبه‌ای شاهد تحدید اختیارات قاضی و نظام‌مند نمودن هرچه بیشتر مقررات و توجه به کلیه جزئیات هستیم و از جنبه دیگر شاهدیم که به لزوم توجه به تعداد جرایم ارتكابی به همراه نوع جرم ارتكابی دقت شده است.

کتابنامه

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. ج ۲، ایران، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۳). حقوق جزای عمومی. ج ۳، ایران، تهران: نشر میزان.
- الهام، غلامحسین (۱۳۷۲). مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم. ایران، تهران: نشر بشری.
- الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن (۱۳۹۳). درآمدی بر حقوق جزای عمومی. ج ۲، ایران، تهران: نشر میزان.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۸۴). تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه حقوق.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲). تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. پژوهش حقوق کیفری، ۲ (۵).
- رستمی، هادی (۱۴۰۴). نظام تعدد مادی جرایم تعزیری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۹؛ چالش‌ها، ابهام‌ها و راهکارها. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۸ (۱).
- رضایی، حمزه؛ صفری، اسماعیل (۱۳۹۷). نیم‌رخ جنایی تشدید کیفر تعدد جرم در پرتو قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. فصلنامه مطالعات حقوقی، ۲۳.
- ساداتی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۱). تعدد جرم در حقوق ایران و آلمان. مطالعات حقوق تطبیقی، ۸ (۱).
- فاضلی چهارمحالی، سیدمرتضی، فرهمند، مجتبی (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی سیاست جنایی قانون‌گذار در تعدد جرم. فصلنامه مطالعات حقوقی، ۶ (۳۴).
- فروغی، فضل‌الله؛ رحیمیان، رضا (۱۳۹۴). ارزیابی تعدد مادی جرائم تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. مطالعات حقوقی، ۷ (۴).
- قدرتی، یداله؛ جانی‌پور، علی؛ بابایی، داریوش (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی مبانی، قلمرو و آثار تشدید مجازات (تعدد جرم) در نظام حقوقی ایران و فرانسه. فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۴ (۵۱).
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ایران، تهران: نشر میزان.

محمدی جورکویه، علی؛ امتحانی، احمدرضا؛ نادری عوج بغزی، جواد (۱۴۰۱). ارزیابی فقهی حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات. تمدن حقوقی، ۵ (۱۲).
مهرپور، حسین (۱۳۶۸). سرگذشت تعزیرات. مجله کانون وکلا، ۱۴۸-۱۴۹.
میرمحمد صادقی، حسین؛ درزی رامندی، علیرضا (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی تعدد جرم در حقوق کیفری ایران و آمریکا. دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۷ (۱).